

مسعود برزین

«جانشینی» در مطبوعات سالهای ۳۲ / ۱۳۲۰ ش

۱۰۰

یکی از جالب‌ترین دوره‌های تاریخی مطبوعات ما که هنوز پژوهش ژرفی درباره آن به عمل نیامده، حال آنکه از هر حیث شایان آن است، سالهای ۳۲ / ۱۳۲۰ ش است. زیرا مطبوعات به دنبال یک سکوت شانزده‌ساله فرصتی یافتند حرف خود را بزنند. از گذشته انتقاد کنند. از حال سخن گویند. مسئولان دولتی را به انتقاد گیرند و معایب و کمبودها را بی‌پروا متذکر گردند. تشکیل احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی و غیرسیاسی نیز فرصت مناسب‌تری پیش آورد تا هم آزادی مورد آزمایش قرار گیرد و هم مردم با تحزب و همفکری آشنا شوند. این دوازده سال را می‌توان دوران غلیان و هیجان مطبوعات دانست. در مجموع کلاسی بود که در آن رشته روزنامه‌نگاری عملی تدریس و تجربه می‌شد. کلاسی که در آن شاگردهای باهوش درس‌ها آموختند و شاگردهای شلوغ به شیطنت پرداختند.

در آن دوران حکومت مرکزی قدرت چندانی نداشت. هر روز کابینه‌ای روی کار می‌آمد و برای تبلیغ هم که شده عده‌ای از صاحبان امتیاز را تشویق به انتشار روزنامه می‌کرد. کابینه می‌رفت ولی چه بسا روزنامه باقی می‌ماند. کابینه جدید هم چنان می‌کرد و به قول معروف تاریخ و موضوع تکرار می‌شد. آن وقت این روزنامه‌ها به دفاع از سابق‌ها به جان مقامات و مطبوعات روز می‌افتادند. مبارزات قلمی گروه‌های سیاسی و دسته‌بندی‌های اغلب خلق‌الساعه به جای خود محفوظ. الم‌شنگه‌ها برپا می‌شد و توقیف‌ها، پی‌درپی.

از اینرو امتیازهای متعدد لازم بود تا برای انتشار مداوم نشریه ظاهر قضیه حفظ شود و بهانه و وسیله برای گام نخست فراهم باشد. در نتیجه ادارات مسئول صدور امتیاز در وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) شهربانی و وزارت کشور پر بود از ارباب رجوع برای دریافت امتیاز. در این دوره شرایط صدور امتیاز نشریه، یا به قول پنجمین قانون مطبوعات «پروانه انتشار» سال به سال آسان تر می شد و کار به جایی رسید که مهمترین شرطش توانائی نوشتن یک انشاء از طرف تقاضاکننده و ابطال مبلغی تمبر دارائی به شمار می رفت!

آنهایی که سوادی داشتند در جلسه امتحان به نوشتن آن می پرداختند و آنها که نداشتند دست به قلب می زدند! داستانی دارم که بدون ذکر نام طرف مربوط نقل می کنم. اواسط دهه ۱۳۲۰ قرار بر امتحان بود برای اشخاصی که مدرک تحصیلی نداشتند. این شخص برای جلسه امتحان دو کتاب با خود به سالن برد و به اعتراض مسئول حوزه وقتی نهاد. وقتی موضوع انشاء یا مقاله اعلام شد یکی از دو کتاب را باز کرد و شروع کرد به رونویسی. ممتحن سالخورده که در راهروی سالن حوزه راه می رفت متوجه امر شد. نزدیکش رفت و از او خواست کتاب را کناری نهد. داوطلب با تعرض و به دنبال یک ردیف ناسزاهای رکیک گفت اگر حرفی بزنی استخوان هایت را خورد می کنم. ممتحن سالخورده که از آن فحش ها و این تهدید ناراحت شده بود، عصبی از تالار بیرون رفت تا «مراتب را گزارش کند» داوطلب هم به «سرقت ادبی» خود ادامه داد.

به گزارش او وقتی نهاده نشد، یا شرایط روز ایجاب نمی کرد جاروجنگالی برپا شود، نمی دانم. همین قدر می دانم که امتیاز انتشار روزنامه به آن داوطلب صادر شد و روزنامه او با صفت یکی از منפורترین نشریات حدود سه دهه انتشار داشت و خود او از روش امتیازگرفتنش بارها سخن می گفت و آن کار را در ردیف افتخارات خویش می شمرد!

در مطبوعات دوره مورد بحث خیلی کارها صورت می گرفت که یکی انتشار روزنامه «جانشین» به جای دیگری بود. به کلامی دیگر، هرگاه نشریه ای توقیف می شد، فردا صبح همان روزنامه انتشار می یافت، با نامی دیگر و صاحب امتیازی دیگر. اکثراً سرلوحه روزنامه توقیف شده در محلی مناسب در صفحه اول و درشت به چشم می خورد و دو سه کلمه «توقیف است»، «فعلاً منتشر نمی شود»، «چرا توقیف است؟» با حروف ریز در بالا و یا پائین آن قرار داده می شد. فقط یک آدم پرحوصله و جستجوگر را می خواست که در صفحات داخلی یا آخر نشریه عنوان روزنامه جانشین و صاحب امتیازش را که به عمد با حروف ریز در یکی دو سطر یک ستونی می آمد، آخر یک مقاله و یا لابلای آگهی ها بیابد. هرگاه این نشریه هم در ردیف توقیفی های روز قرار می گرفت، داستان با نامی جدید روز بعد تکرار می شد.

نشریات «جانشین» حتی اگر برای اولین بار طرف استفاده قرار گرفته بودند، شماره ردیف نشریه توقیف شده را رعایت می کردند. به این معنی که نه فقط قطع و ظاهر صفحه بندی و تعداد صفحات همانا مشخصات نشریه توقیف شده بود بلکه مطالب و مندرجات دنباله دار هم ادامه می یافت. روزی که روزنامه اصلی از توقیف خارج می شد شماره مسلسل آن شماره ای نبود که قاعدتاً باید پس از شماره توقیف شده می آمد بلکه چند شماره «جانشین» هم در ردیف ملحوظ می گردید.

جالب آن که مسئولان چاپخانه ها هم به امر جانشینی توجه نمی کردند و چه بسا ورقه امتیاز روزنامه جدید را حتی برای رویت، از کسی که مطالب آن را برای حروفچینی و چاپ می آورد مطالبه نمی کردند.

چنین «جانشینی» را از طرف احزاب سیاسی زیاد می دیدیم. معمولاً چندین امتیازنامه در دفتر حزب نگهداری می شد تا در روز مبدا بلافاصله و بدون توقف در انتشار روزنامه طرف استفاده قرار گیرد. تعداد آنها هم که در صف «این نشریه به هیچ حزب و گروهی بستگی ندارد» قرار داشتند و اکثراً هفته نامه بودند کم نبود. خنده دار است اگر بنویسم گاه نشریه ای بدون اطلاع صاحب امتیاز مورد استفاده واقع می شد. ولی معمولاً نشریات همسو جانشین یکدیگر می شدند!

موضوع «جانشینی» مطبوعات و اسامی جانشین ها برای مدتی محدود نخستین بار توسط ال. پی. ساتن^۲ در رساله ای زیر عنوان «مطبوعات ایران ۴۷ / ۱۹۴۱» در فصلنامه مؤسسه انگلیسی مطالعات فارسی^۳ به سال ۱۹۶۸ م. در لندن به چاپ رسید. اما آنچه او ذکر کرده نیمی از دوران سال های ۳۲ / ۱۳۲۰ را دربر می گیرد و چه بسا روزنامه هایی که به احتمال زیاد به دست او نرسید و از یادآوری آنها در رساله تحقیقی خود محروم ماند.

«جانشینی» یکی از مشکلاتی را سبب شده که امروز حتی برابر پژوهشگران سالخورده مطبوعاتی قد علم کرده است و جوان ها هم که در جریانات روز سال های ۳۲ / ۱۳۲۰ قرار نداشتند واقعاً نمی دانند «چی به چی» بود و در این امر کارشان سخت تر می شود.

این محظور، به نوعی برای مسئولان قسمت مطبوعات کتابخانه های بزرگ نیز وجود دارد. و شاید این امر همراه با معضلی دیگر مانع فیش کردن و یا تجلید چنین گروهی از مطبوعات باشد. مشکل دوم این است: چه بیاورند روزنامه هایی که فقط یک یا دو سه شماره منتشر شده اند. معلوم نیست این مسئولان با آنها چه خواهند کرد. از نظر اقتصادی، صحافی تک تک آنها صحیح نیست مگر آن که مثلاً ده بیست عنوان نشریه مختلف را که از هر کدام چند شماره دارند به ردیف تاریخ و سال با هم جلد کنند.

بیان کلیه عناوین مطبوعات توقیف شده و «جانشین» آنها که به قول مطبوعاتی ها به زیور طبع آراسته می گشت از عهده این مقاله خارج است. و این مطلب هم با چنین قصدی به رشته تحریر کشیده نشده. از این رو به ذکر چند نمونه، بدون توجه به تقدم و تأخر و یا سیاسی و مستقل بودنشان، بسنده می شود. و آن گاه به مواد قانونی مربوط، آن سان که در قوانین مطبوعاتی مان آمده است می پردازیم.

نسیم صبا: به جای اختر. تاریخ، ۶ مرداد ۱۳۲۳

در محل معمولی سرلوحه کلمه «نسیم» درشت و به رنگ قرمز و «صبا» سیاه رنگ، هر دو خطاطی شده، قرار گرفته و زیر آن این عبارت آمده است «به جای اختر منتشر می شود». سمت راست سرلوحه شعار نشریه را تحت عنوان روش ما در یک کادر می خوانیم. زیر کادر قیمت و شماره (دوره جدید، شماره یک) قرار دارد. در سمت چپ سرلوحه تأکید شده که کلیه امور این روزنامه توسط هیئت تحریری ... اداره می شود.

مندرجات نشریه دنباله مطالب هفته نامه اختر است. با این که در صفحه اول شماره یک ذکر گردیده ولی پاورقی صفحه سوم تحت عنوان راسپوتین قسمت پنجم است. در صفحه چهارم عنوان نسیم صبا و نام صاحب امتیاز آن قرار گرفته.

نسیم شمال: به جای هور. تاریخ، ۱۵ بهمن ۱۳۲۳

عنوان «هور» به رنگ قرمز بالای صفحه اول و در وسط مشاهده می شود. سمت چپ آن سه کلمه درشت حروفچینی شده به این مضمون «هنوز توقیف است» و سمت راست آن عنوان هفته نامه «نسیم شمال» اسامی دارنده امتیاز و مدیر داخلی داخل یک کادر در زیر آن به چشم می خورد.

عنوان «نسیم شمال» بالای بقیه صفحات قرار دارد. یک آگهی زیر ستون سمت چپ به این ترتیب «جای اداره نسیم شمال (هور) لاله زار - کوچه مهران» در صفحه چهارم چاپ شده و بالای آن آگهی دیگری زیر عنوان «بشارت به عموم مسلمین». دانستنی است که در پایان همین آگهی هور خوانندگان را تشویق به انجام متن آگهی می کند و نه نسیم شمال.

بنیاد: به جای هور (زیرا هنوز توقیف هور ادامه دارد) تاریخ، ۲۳ بهمن ۱۳۲۳

سرلوحه «هور» به رنگ قرمز بالای صفحه اول و سه کلمه «هنوز توقیف است» با فاصله کم و سمت راست سرلوحه به چاپ رسیده. طرف راست سرلوحه عنوان «بنیاد» و زیر آن در یک کادر نام صاحب امتیاز و مدیر داخلی قرار دارد. مندرجات این شماره ادامه مطالب هفته نامه هور است و حتی پاورقی اش درباره ناپلئون قسمت پانزدهم را نشان می دهد.

عنوان «بنیاد» در بالای صفحات داخلی و آخر است. در صفحه سوم یک آگهی با این عبارت

جلب توجه می کند «جای اداره بنیاد (هور) لاله زار - کوچه مهران».

آفتاب شرق: به جای جمعه. تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۲۴

سرلوحه «جمعه» درشت به رنگ قرمز بالای صفحه اول بدون تاریخ ولی با ذکر بهای تکفروشی دیده می شود. عنوان نشریه بالای شش صفحه داخلی نیامده است. اما در صفحه هشتم بالای دو ستون اول سرلوحه هفته نامه «آفتاب» با نشانی، شماره تلفن، بهای اشتراک و بهای آگهی قرار گرفته و زیر آنها با حروف ریز نام دارنده امتیاز خوانده می شود. تاریخ انتشار هم در این صفحه ذکر شده است. مندرجات نشریه ادامه مطالب هفته نامه «جمعه» است.

شمشیر عدالت: به جای داریا. تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۲۸

سرلوحه روزنامه داریا، تاریخ و شماره مسلسل آن طبق معمول سراسر بالای صفحه اول را گرفته و مندرجات آن دنباله مطالب و سبک روزنامه داریا است. عنوان نشریه بالای دو صفحه وسط روزنامه قرار ندارد. پائین دو ستون آخر صفحه سوم با حروف ریز نام صاحب امتیاز روزنامه شمشیر عدالت را می خوانیم. در صفحه چهارم، بالای دو ستون اول کلیشه سرلوحه داریا آمده و بالای آن دو کلمه شمشیر عدالت حروفچینی شده است. جالب آن که آگهی دفتر روزنامه داریا نیز در همین صفحه به چشم می خورد.

صهبا: به جای سیاست ما. تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۹

بالای صفحه اول پنج عدد صفر و دو علامت تعجب به جای سرلوحه اصلی روزنامه جلب توجه می کند. سمت راست آن عنوان «صهبا» و نام صاحب امتیازش قرار گرفته و طرف چپ نشانی نشریه که همان آدرس دفتر هفته نامه سیاست ما است.

بالای دو صفحه وسط نام صهبا به چاپ رسیده ولی در صفحه چهارم سرلوحه معمولی «سیاست ما» آمده است. بالای آن واژه «آگهی» و پائینش دو کلمه «توقیف است» حروفچینی شده. در همین صفحه سمت چپ و بالا، روی یک دایره قرمز رنگ شماره مسلسل سیاست ما و تاریخ چاپ شده است.

۱۰۵

پوششگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



شماره ۲۴۴

تک شماره یوردیال
شماره ۱۰۰۲۱۳۸۸

یک حادثه جدید ...

مردی که در تهران با سلاح گرم به طرف مردم تیراندازی کرد و کشته شد. این حادثه در تهران اتفاق افتاد و در پی آن یک نفر کشته شد و ده نفر زخمی شدند. پلیس در حال تحقیق است.

آنچه مآشیده ایم:

دو روز بعد از ظهر «امامی» قاتل کسروی با اسلحه گرم

بطرف دهریز و وزیر دربار شلیک کرد و گلوله به زیر قلب هزیر اصابت نمود

وزیر بلافاصله به بیمارستان شماره ۲ برده شد و امامی توقیف گردید

اطلاعات و اخباری که تغییر نگاران مادر باره این حادثه بدست آورده اند

دو روز در سه بیمارستان «مستری» که در سه بیمارستان تهران واقع است، در حال حاضر در بیمارستان شماره ۲ تهران بستری شده است. او در روز ۱۳ مرداد در تهران کشته شد. او در روز ۱۳ مرداد در تهران کشته شد. او در روز ۱۳ مرداد در تهران کشته شد.

شماره ۱۰۰۲۱۳۸۸



از کتاب کورده



مجموعه بیست و یک کتاب

اهریمن ماسک انسان میگذارد!

این مجسمه‌های نحیف و خائن را دور بریزید

عزیمت کرد ۲۵
پاک صلح ۲۰ ساله ۱۲...



منتقل به مسکو
کتاب: گروه جنگ و صلح در ایران - ۱۲۰۰
درودانی - بیابانک



مسئله نفت و لایحه نشر اسکناس

آپاساسه شرکت نفت چه سیاست‌ها دارد؟
انگلیس سفارت‌تجاره؟
کتاب: نفت و اسکناس
در تهران - انتشارات

مجموعه بیست و یک کتاب

مجموعه بیست و یک کتاب




سیاست




تولید است

دکتر امینی هم تگد می‌کند

سرمشق بر اثر این مجسمه (تگد) می‌کند
مجموعه بیست و یک کتاب
کتاب: دکترا هم تگد می‌کند
در تهران - انتشارات





مجموعه بیست و یک کتاب
کتاب: دکترا هم تگد می‌کند
در تهران - انتشارات

فازسیم

مجموعه بیست و یک کتاب
کتاب: فازسیم
در تهران - انتشارات

نوع مطالب، روش آرایش صفحه و حتی امضاء سرمقاله هفته‌نامه متعلق به سیاست ما است.

ملائصرالدین: به جای حاجی آقا. تاریخ اول مهر ۱۳۳۲
بالای صفحه اول سه کلمه «ملائصرالدین ناشر افکار» دیده می‌شود که همراه با عنوان

حاجی آقا



قیمت ۴ ریال

چهارشنبه اول مهر ۱۳۲۲



فدای لب تشنه‌ات

داووظلات... نئسئد



بئاسئت قاشقه مصلی گئد حوسن قاشقه و تلم پور شیرازی فرماتت عربی



۱۰۰ سئلائر

بئلت پئشوا

هفته‌نامه این مفهوم به دست می‌آید: ملا نصرالدین ناشر افکار حاجی آقا. سرلوحه حاجی آقا و تاریخ و بهای تکفروشی در دو رنگ زیر آن آمده و نشان می‌دهد ملا نصرالدین جانشین حاجی آقا شده است. عنوان نشریه در سه صفحه بعد در محل معمول (بالای صفحه) دیده نمی‌شود و پائین صفحه سوم در یک کادر دوستونی عنوان ملا نصرالدین و نام دارنده، صاحب امتیاز و مدیر مسئول با نشانی دفتر هفته‌نامه و شماره تلفن قرار دارد. زیاد دور از مطلب نخواهد بود اگر یک نمونه هم از هفته‌نامه‌ای ذکر شود که با این‌که توقیف شده بود ادامه انتشار داده است.

بهمن: به تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۲۶

سرلوحه در بالای صفحه اول قرار ندارد. بلکه کلیشه آن عمودی در پائین ستون اول این صفحه داخل کادر گنجانده شده و زیر آن با حروف ۳۶ نوشته شده «توقیف است» در جای اصلی سرلوحه، یعنی بالای صفحه اول، این شعر بطور سراسری خوانده می‌شود:

صبح است و ژاله می چکد از ابر بهمنی

آهسته رو که لوله لامپارو نشکنی

شماره مسلسل روزنامه به ردیف ۳۵ بالای سه صفحه بعد آمده و نام صاحب امتیاز و مدیر

مسئول و همچنین اسم هیئت تحریری پائین ستون اول از صفحه دوم قرار گرفته.

مقررات ضد جانیشینی

اکنون ببینیم قانون مطبوعات به مسئله جانیشینی و به جای دیگری چاپ شدن، یا به چاپ رسانده شدن، چگونه می نگرد و چه حکم می کند؟

از سال ۱۲۸۶ ش تا به امروز پنج قانون و چند متمم و اصلاحیه و لایحه مطبوعات داشته ایم. نخستین قانون مطبوعات در بهمن ۱۲۸۶ ش (محرّم ۱۳۲۶ هـ) در مجلس شورای ملی به تصویب رسید، و متمم آن به منظور نظارت بیشتر بر مطبوعات در سال ۱۳۰۱. بیست سال بعد «اصلاحیه قانون مطبوعات» در دی ماه ۱۳۲۱ از تصویب مجلس شورای ملی گذشت. نخستین قانون و متمم و اصلاحیه آن را در یک فاصله زمانی ۳۵ ساله می توان در حکم یک قانون تلقی کرد.

ده سال سپری شد. دومین قانون مطبوعات و متمم آن در سال ۱۳۳۱ تدوین گردید و نخست وزیر وقت (دکتر محمد مصدق) با استفاده از اختیارات فوق العاده ای که از مجلس هفدهم شورای ملی کسب کرده بود آن را امضاء کرد. سه سال بعد، سومین قانون مطبوعات به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسید، بلکه به تصویب کمیسیون مشترک این دو مجلس بسنده شد. پس از تحقق انقلاب اسلامی، در خرداد ۱۳۵۸ کابینه مهندس مهدی بازرگان لایحه ای تهیه کرد که از طریق وسائل ارتباط جمعی برای اصلاح مردم انتشار یافت، و دو ماه بعد با اصلاحاتی مختصر در مرداد ۱۳۵۸ به تصویب شورای انقلاب رسید.

پنجمین قانون مطبوعات که در واقع آخرین قانون در این امر تا به حال به شمار می رود در آبان ماه ۱۳۶۴ از تصویب مجلس شورای اسلامی ایران گذشت.

در اولین قانون و متمم و اصلاحیه آن هیچگونه اشاره ای به موضوع «جانیشینی» و انتشار نشریه ای «به جای» دیگری مشاهده نمی شود. در قانون امضاء شده دکتر مصدق برای اولین بار به این امر پرداخته شده و ماده ۲۷ آن می گوید «هر کس در کتب و روزنامه یا مجله خود از نام یا کلیشه روزنامه دیگر تقلید نماید که سوء استفاده محسوب شود به تقاضای شاکی خصوصی از پانصد تا پنج هزار ریال جزای نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد و شاکی خصوصی می تواند خسارات خود را مطالبه نماید و دادگاه مکلف است به آن رسیدگی کند.» و در تبصره ماده ۴۲ چنین می خوانیم «روزنامه هائی که طبق این ماده توقیف شوند

نمی‌توانند به اسامی دیگر یا همان سبک و اسلوب منتشر شوند. در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله‌ای که به جای روزنامه توقیف شده منتشر نمایند به حبس تأدیبی از یک ماه تا سه ماه و جریمه نقدی از پانصد تا پنج هزار ریال محکوم می‌شوند و اجازه‌نامه آنان نیز باطل می‌گردد.»

مواد مربوطه سومین قانون مطبوعات با قانون پیشین خود تفاوت محسوسی ندارد بجز آن که «... کسانی که روزنامه یا مجله خود را به جای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند به حبس تأدیبی از یک ماه تا سه ماه و جریمه نقدی از یک هزار تا ده هزار ریال محکوم می‌شوند و امتیاز آنان نیز باطل می‌گردد.» و در تبصره همین ماده می‌خوانیم «روزنامه‌هایی که طبق مقررات این قانون توقیف می‌شوند نمی‌توانند به اسامی دیگر و با همان سبک و اسلوب منتشر شوند و در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله‌ای که به جای روزنامه یا مجله توقیف شده انتشار یافته است نیز به ترتیب فوق توقیف می‌شود. کسانی که روزنامه یا مجله خود را به جای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند به حبس تأدیبی از یک ماه تا سه ماه و جریمه نقدی از یک هزار تا ده هزار ریال محکوم می‌شوند و امتیاز آنان نیز باطل می‌گردد.» در همین قانون تبصره ذیل ماده ۳۸ عین تبصره ماده مذکور در فوق تکرار شده است.

بعد از تحقق انقلاب اسلامی موضوع جانشینی در لایحه پیشنهادی مهندس مهدی بازرگان نیز آمده و در ماده ۲۶ آن می‌خوانیم «هر کس در انتشار نشریه از نام یا علامت نشریه دیگر تقلید نماید به مجازات جنحه‌ای از ۶۱ روز تا سه ماه و یا به جزای نقدی از ۱۰۰ هزار تا ۳۰۰ هزار ریال محکوم خواهد شد...» ولی «... تعقیب جرم منوط به شاکی خصوصی است.»

در چهارمین قانون مطبوعات مصوب شورای انقلاب اسلامی ایران (مردادماه ۱۳۵۸) موضوع جانشینی طی مواد ۲۷ و ۲۸ پیش کشیده شده و غلیظ‌تر از سابق است. زیرا می‌گوید «هر گاه در انتشار نشریه نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزئی تقلید شود به طوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد از انتشار جلوگیری و مرتکب به مجازات حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا سه ماه و به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا سیصد هزار ریال محکوم می‌شود. تعقیب جرم منوط به شکایت شاکی خصوصی است.»

و ماده ۲۸ می‌گوید «پس از توقیف یک نشریه، انتشار هر نوع نشریه دیگر به نحوی که با نشریه توقیف شده از نظر نام، علامت و شکل مشتبه شود ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می‌گردد. مرتکب به مجازات جنحه‌ای از سه ماه تا شش ماه محکوم می‌گردد.»

در پنجمین قانون مطبوعات آنچه در این مورد در قانون چهارم آمده به این شرح تغییر می‌کند. «ماده ۳۲ اصلاح شده - هر کس در نشریه‌ای خود را بر خلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسئول معرفی کند و یا بدون داشتن پروانه انتشار به انتشار نشریه مبادرت نماید طبق نظر

حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد. مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئولی که سمت‌های مزبور را طبق قانون از دست داده‌اند نیز می‌شود.»

ماده ۳۳ اصلاح شده نیز چنین می‌گوید «هرگاه در انتشار نام یا علامت نشریه دیگری - ولو با تغییرات جزئی - تقلید شود (بطوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد) از انتشار نشریه جلوگیری، و مرتکب طبق نظر حاکم شرع محکوم می‌شود. تعقیب جرم و مجازات منوط به شکایت شاکی خصوصی است.»^۲

در پایان اضافه می‌نماید که این مقاله مستخرج از آرشیو مطبوعاتی نگارنده است.

زیرنویس‌ها:

۱- رک. تجزیه و تحلیل آماری مطبوعات ایران، مسعود برزین، از انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران، ۱۳۷۰

۲ - L. P. Sutton وابسته مطبوعاتی سفارت انگلیس در تهران، طی سالهای جنگ جهانی دوم.

۳ - Journal of the British Institute of Persian Studies, London, 1968.

۴ - برای اطلاع بیشتر لطفاً رجوع کنید به (۱) روزنامه رسمی کشور در سال‌های ذکرشده برای تاریخ تصویب

قوانین مطبوعاتی (۲) کتاب مطبوعات از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ گردآورنده دکتر حسین ابوترابی‌ان از

انتشارات روزنامه اطلاعات. تهران ۱۳۶۶ (۳) کتاب مجموعه قوانین و مقررات مطبوعاتی. تدوین حمید

مقدم‌فر. از انتشارات روزنامه اوحدی. مراغه ۱۳۶۹.